

بازار کساد است، اصلاً فروشی ندارم، این‌ها جملاتی است که از خیلی از فروشندگان شنیده‌ام و بارها خودمان بر زبان می‌آوریم، می‌شنویم و باورشان می‌کنیم و واقعاً هم همین‌طور است. چند روز پیش برای سرویس و تعویض روغن ماشین پیش یکی از دوستان رفتم و صبح اول شنبه وارد گاراژ شدم و دیدم که هیچ خبری نیست و ایشان هم نشسته است و خوشحال شدم که سریع کارم انجام می‌شود. شروع کرد و مشغول شد گفتم چه خبر مهندس؟ گفت بازار خیلی خراب است، **بازار کساد** من هم یک سوال از او پرسیدم و گفتم که شغل شما یک کار فنی است و تمام ماشین‌ها به **است** خدمات شما نیاز ندارند، این‌طوری بگم که آیا یک پمپ بنزین می‌تواند بگوید که بازار کساد است؟ گفتم پس نیاز و تقاضا برای شغل شما همیشه وجود دارد اما چه اتفاقی افتاده که بازار کساد است؟ من راجع به قانون ارتعاش، قانون جذب و تجسم خلاق برای او صحبت کردم به او گفتم که تا زمانی که این‌جا نشستی و می‌گویی که بازار خوب نیست و این صحبت بین همکارانتان هم رواج دارد، با این تفکر اتفاقی که می‌افتد این است که ارتعاشی که بازار خوب نیست را به جهان هستی ساطع می‌کنید. و راهکاری که به ایشان و به خودم و به تمام شما دوستان عزیز می‌دهم این است که هر کدام ما به نوعی فروشنده خدمات و محصولاتی در این جهان هستیم. شما باید جمله بازار کساد است را کنار بگذارید و بگویید بازار خوب است و خدا را هم شکر و احساس خوبی داشته باشید و بگویید خدای روزی رسان و رزاق روزی من را می‌رساند و امیدوار باشید.

با این تفکر، سیگنال و ارتعاش مثبت شما شروع به ارسال شدن به جهان هستی می‌کند. من به او نشان دادم در همین خیابانی که مغازه شما قرار دارد چقدر ماشین حرکت می‌کند این ارتعاش مثبت شما که بازار خوب است، و در جهان هستی رزق و روزی زیاد است باعث می‌شود، آن راننده‌ای که در ماشین نشسته و در حال آمدن است از مسافتی قبل یک دفعه یادش بفتد که باید روغن ماشینش را عوض کند و این ارتعاش که بازار خوب است باعث می‌شود تمام ماشینهایی که از روبروی مغازه شما عبور می‌کنند، ناخودآگاه تابلو مغازه شما را ببینند. اما تا زمانی که می‌گویید بازار خوب نیست، **بازار کساد است**، مشتریان از اینجا عبور می‌کنند و اصلاً هیچ حسی هم ندارند و یادشان نیست که باید روغن ماشینشان را عوض کنند یا ماشینشان را باید سرویس کنند و این چیزی است که ما به جهان هستی ارسال می‌کنیم. دوستم گفت آخه تو از هیچ چیز خبر نداری چند روز اینجا و ایسا می‌فهمی. دوست عزیز من واقعیت‌هایی که من در جهان هستی می‌بینم و مشاهده می‌کنم این است. به قول استاد الهی قمشه‌ای ما هیچ موقع ندیدیم یک تاجری، یک کاسبی بگوید بازار عالی است همه‌شان از اول زندگی ام یعنی سال ۱۳۱۸ تاکنون همه می‌گویند **بازار کساد است**، آیا تا به حال شنیده‌اید که کسی بگوید وضع بازار عالی است خیلی نادر است که کسی بگوید که وضع بازار خوب است.

تصور و جملات ما باید این باشد که بازار عالی است و خدای رزاق مشتریان عالی را برای من می‌فرستد و همه چیز خوب می‌شود. این ارتعاش را شروع کنیم و تمرین کنیم. اتفاقی که می‌افتد این است که وقتی مردم از روبروی مغازه شما عبور می‌کنند، یک دفعه به دلش می‌افتد باید بیاید داخل مغازه شما خرید کند، یک دفعه به دلش می‌افتد باید از خدمات شما استفاده کند، باور کنید این‌گونه است.

این موضوع خیلی جالب را در مورد خودم تجربه کرده‌ام. من محصولاتی دارم که روی وب می‌فروشم و درآمد از این راه است. حدوداً یکسال پیش که مشغول فروش نرم افزار راز بیوریتیم ۴ بودم، بدون این که عملیات بازاریابی اینترنتی را بیشتر کنم با همان حالت، فقط چند روزی شروع به مراقبه کردم که تعداد فروش و درآمد من روزانه بالا و بالاتر برود و یک عدد خاصی را تجسم می‌کردم و مدیتیشن خاصی که برای خودم طراحی کرده بودم، را انجام می‌دادم و این تصور را داشتم. باورتان می‌شود بدون این که عملیات بازاریابی من اضافه شود بدون این که من کار اضافه‌تری انجام بدهم با همان حالت تعداد بازدیدکنندگان قبلی که وبسایت من داشت، فروش من بالا می‌رفت درآمد من بیشتر

می شد و دقیقاً من این موضوع را با پوست و استخوان لمس کردم و خیلی جالب است که بعدش به خاطر یک مشکلی که برای من پیش آمد از ارتعاش مثبت افتادم و فروش من مجدداً پایین آمد.

همین الان که دارم با شما صحبت می کنم هر موقع ارتعاش مثبت دارم، هر موقع حس خوبی دارم، هر موقع شکرگزار خداوند هستم، اتفاقی که می افتد این است که فروشم خیلی عالی می شود، در آمد خیلی بالایی پیدا می کنم، مشتریان خیلی خوبی سراغ من می آیند. مشتریانی از وبسایت من بازدید می کنند بعد به دلشان می افتد که باید این محصول را بخرند و دقیقاً آن محصول به دردش هم می خورد و می خرد و استفاده می کند و راضی هم هست. ولی وقتی من از شرایط، از وضعیت ناراضی هستم، آن ارتعاش منفی من در اینترنت کهکشانی یک ارتعاشی ایجاد می کند که بازار خوب نیست، اگر برای بقیه هم بازار خوب باشد، برای من خوب نخواهد بود.

من پیشنهاد می کنم اگر همه می گویند که **بازار کساد است**، من و تو بگوییم بازار عالی است و درونی آن را حس کنیم. من کاری ندارم کسب و کار شما چیست ولی مطمئن باشید من ایمان دارم در هر کسب و کاری و در هر شغلی، در هر شرایط اقتصادی، در هر تحریمی، ما اگر تصور کنیم و باور کنیم و کلامان این باشد که بازار عالی است و خدا می رساند برای من و تو ۱۰۰ درصد بهترین مشتری ها خواهند آمد.

در خیلی جاها دیده ایم و شنیده ایم که در جایی از بازار چند مغازه مشابه کنار هم وجود دارد ولی یکی از مغازه ها بیشتر از بقیه مشتری دارد و وقتی می رویم و می بینیم که استایل مغازه، شکل و شمایلش و خیلی از چیزهای آن با دیگر مغازه ها مشترک است ولی این مغازه بیشترین فروش را دارد حالا درست مباحث مشتری مداری و غیره وجود دارد ولی می خواهم بگویم که از لحاظ نرم افزاری و درونی باید ارتعاشمان را قوی کنیم.

چند روز پیش یکی از دوستان که در یکی از مکان های پرتردد اصفهان کافی نت زده بود و می گفت من این جمله را به دوستم به خودم و به .که وضعیت خوب نیست و خبری نیست، *بازار کساد است* شما می گویم احساس کنید که بازار خوب است، تصور کنید که بازار عالی است، و این جمله که بازار کساد است را کاملاً کنار بگذارید، این تصور را کنار بگذارید تا ببینید چه اتفاقاتی برایتان می افتد در همان شلوغی بازاری که آن همه آدم از روبروی مغازه شما عبور می کنند، همان موقع ارتعاش مثبت شما که بازار خوب است باعث می شود که مردم یک لحظه یادشان بیفتد که باید ایمیل را چک کنم، یا فلان کار اینترنتی را انجام بدهم و بیاید از خدمات و محصولات من و شما را بخرد. دوست عزیز من متأسفانه جامعه ما، ما در یک ناخودآگاه جمعی منفی قرار دارد وقتی همه باور دارند که بازار خوب نیست و ما هم قبول می کنیم و ما هم مهر تایید می زنیم اتفاق بد و بدتر این است که بازار واقعاً خوب نیست و این پاسخی است که در قبال افکارمان از جهان هستی می گیریم. باورمان نسبت به این که بازار خوب نیست بیشتر می شود و ارتعاش بیشتری ارسال می کنیم و دوباره از همان جنس دریافت می کنیم. این داستان امروز من و شماست.

تویی که کاسبی، تویی که فروشنده ای، تویی که خدماتی را ارائه می کنی، تویی که معلم ریاضی هستی شما هم فروشنده خدمات آموزشی خودتان هستید، جمله بازار خوب نیست را حذف کنید و مطمئن باشید این هسته مرکزی ما، این ناخودآگاه ما و باور ما که بازار عالی است و خیلی مشتری های خوبی است و رزق و روزی فراوان است برای من و شما بهترین ها را می رساند.

ارجاع می دهم به قرآن آیه ۷ سوره ابراهیم بارها راجع به آن صحبت کردیم لئن شکرتم لازیدنکم اگر شکر گزاری کنید بر نعمت شما می افزایم. حالا می شنویم بازار کساد است، بازار خراب است هیچ خبری نیست، این یعنی ناشکری، این یعنی همان ارتعاش بدی است که به جهان هستی ساطع می کنیم.

خیلی از افراد قانون جذب را رد می کنند، می گویند بابا یعنی چی!!! در قرآن اشاره می کند، اگر شکر گزاری کنید بر نعمت شما می افزایم، کلام خداست می گوید شکر گزاری کنید تا بر نعمتان بیافزایم. شکرگزاری یعنی حس خوب، یعنی خدایا شکر که من مغازه دارم، خدایا شکر که من وبسایت دارم، خدایا شکر که محصولی دارم و خدماتی را ارائه می دهم، خدایا شکر که ایده هایی دارم، خدایا شکر که جوان هستم و خیلی چیزهای دیگر داریم که می توانیم بابت آن شکرگزاری کنیم و آن ها را به فرصت و درآمد، شغل تبدیل کنیم و آن اتفاق بزرگ برای ما می افتد. شکرگزاری و حس مثبت شما ارتعاش عالی را جهان هستی ارسال می کند و مشتریان زیادی را برای شما می فرستد.

دوست دارم از امروز این روش را هم امتحان کنید و نتیجه اش را هم از طریق وبسایت به من هم اطلاع دهید. بگویید بازار خوب است و تمرین کنید و احساس کنید، تصور و تجسم و شکرگزاری شما بابت روزی فراوان باعث می شود، خداوند به شما بیشتر و بیشتر عطا کند. آن وقت خواهید دید چه بازار عالی در این عالم وجود دارد، در همین بازار کساد، افرادی هستند که دارند ماشین های شاسی بلند سوار می شوند، ماشین خوب می خرند، ویلا خوب می خرند، خانه خوب می خرند، پس بازار برای آن ها کساد نیست.

باور کنید خیلی از آن ها کارآفرین هستند خیلی از آن ها جوان هایی هستند مثل برادران محمدی دی جی کالا و خیلی دیگر از این افراد که گمانند و ما نمی دانیم ولی درآمدهای خیلی خوبی پیدا کردند. حتماً از امروز این جمله را حذف کنید، و توسعه دهنده صحبت های من باشید به دیگران بگویید این که می گوید **بازار کساد است**، این که که چکات پاس نشده است، درست است که مشتری نمی آید اما در واقع این درست نیست، درستی این جملات را خودمان تعیین کرده ایم. مواظب باشید که این درستی را ما خودمان بیشتر تاییدش می کنیم و از همان جنس دریافت می کنیم. این است که فاجعه است و قشنگی زیبایی آن این است که من و تو خالق بزرگترین بازارهای عالم برای خودمان می توانیم باشیم، حتی با یک مغازه کوچک و یا وبسایت کوچک عملیات بازاریابی خودمان را انجام بدهیم و ارتعاشات خود را قوی کنیم.

البته خوب خیلی هم سخت است یک عمر است که این جملات را باور و به نوعی به آنها عادت کرده ایم، من سعی کرده ام در دوره پاکسازی کوانتومی پیشرفته و فوق پیشرفته روی بحث بازاریابی معنوی، اینکه ما چگونه بتوانیم در تجسمان بازارهای بزرگی را بدست بیاوریم و مشتریان زیادی را برای خودمان جذب کنیم، کار کرده ام. امیدوارم توانسته باشم که مطلب با ارزشی به شما بگویم و از امروز حتماً این آموزش کوتاه را در زندگی تان به کار بگیرید و نتایج عالی آن را استفاده کنید، برایتان بهترین ها را آرزو می کنم.